

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



بررسی انواع نقد ادبی در آثار سید حسن حسینی

نسرین بیرانوند^۱، اردشیر فتحعلی عباسکوهی^۲

- ۱- (نویسنده مسئول) دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور ایران، ملایر
- ۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی و مدرس پیام نور و حوزه علمیه

Pnu.adabiyat@yahoo.com

چکیده

نقد در لغت به معنی جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره و تمیز دادن خوب از بد و بهین چیزی برگزیدن است در اصطلاح ادب، تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب اثر ادبی نقد ادبی بررسی همه جانبه و کامل یک اثر ادبی است. نقد ادبی فن یا علمی است که به مقایسه، تجزیه و تحلیل، شرح و تفسیر و سنجش آثار ادبی اختصاص دارد. نقد ادبی انواع متعددی دارد که شامل نقد سنتی، متنی، فرمالیسم، نقد نو، ساختار گرایی، پساساختارگرایی، روان شناسانه و اسطوره گراست. این جستار با عنوان « بررسی انواع نقد ادبی با نگاهی به اشعار سید حسن حسینی » که با روش تحلیلی- توصیفی انجام گرفته است بر آن است ضمن معرفی حسینی و آثارش اشعار این شاعر ارزشمند معاصر و اجتماعی را از دیدگاه انواع نقد همراه با شواهد شعری بازگو نماید.

کلید واژگان: نقد ادبی، نقد تاریخی، فلسفی، اخلاقی، فرمالیستی

مقدمه

نقد در لغت به معنی « جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره و تمیز دادن خوب از بد و بهین چیزی برگزیدن است. در اصطلاح ادب، تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب اثر ادبی است. واژه ی نقد در زبان فارسی معانی متعددی دارد و از آن جمله است: پول رایج، پول نقد (در مقابل نسیه)، سره گزینی (انتخاب نیکو و ناب از هر چیز)، ارزیابی و سنجیدن، به محک زدن، خوب و بد چیزی را نشان دادن، و بهین و بهترین را انتخاب کردن است. واژه ی نقد گاه مترادف با انتقاد به کار می رود ولی در عرف و کاربرد متداول زبان، تفاوت محسوسی میان نقد و انتقاد به چشم می خورد، یعنی انتقاد را غالباً در مفهوم بیان کاستی های یک چیز و خرده گیری از کاری یا کسی می آورند در حالی که نقد را در چنین مفهومی به کار نمی گیرند و آن را برای ارزیابی امور و آثار ذهنی، فکری، هنری و فرهنگی مورد استفاده قرار می دهند. از نظر ناقدان و پژوهش گران، ادبیات در مقام اصطلاح فراگیری که موضوعات بسیار متفاوتی را در بر می گیرد، پدیده ای در حال تحول است؛ درست همان طور که نقد در حال تحول است؛ هر مکتب انتقادی ادبیات را بر پایه ی تصورات خود باز می آفریند؛ بنابراین در ادبیات مضمون ها و اندیشه های ژرفی نهفته است که نمی توان با نگاهی سطحی به درک این مفاهیم عمیق پی برد. اگر زندگی بشر را به یک متن مانند کنیم، فهم رابطه ی ادبیات و زندگی انسانی برای ما آسان تر خواهد بود زیرا ادبیات هم خود انعکاس و بازتاب دهنده ی حوادث و اتفاقاتی است که در زندگی روزانه با آنها برخورد می کنیم. (فضیلت، ۱۳۹۰: ۲۸)

دکتر سیدحسن حسینی از مشهورترین چهره های شعر معاصر و شعر آئینی ایران است. در اول فروردین ماه سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه مشهد رفت و در رشته ی کارشناسی تغذیه در سال ۱۳۵۸ فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۹ به خدمت سربازی رفت و در طی این دوران کار نویسندگی برنامه های رادیویی ارتش را برعهده گرفت. دکتر حسینی یک سال پیش از این به همراه تعدادی از هنرمندان و شاعران، جلسه های نقد و بررسی شعر را در حوزه هنری آغاز کرده بود. که این فعالیت ها تا سال ۶۶ ادامه داشت. سال ۱۳۶۹ سالی بود که زنده یاد حسن حسینی برای ادامه تحصیل به دانشگاه رفت و رشته زبان و ادبیات فارسی را تا مقطع دکترا گذراند. وی دو سال پیش از این تدریس در دانشگاه های الزهرا و آزاد را آغاز کرده بود. حوزه فعالیت های دکتر حسینی شامل شعر، تحقیق، ترجمه، و تألیف می باشد و از وی در این زمینه ها آثاری منتشر شده است که از آن جمله اند:

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



مجموعه شعر همصدا با حلق اسماعیل (۱۳۶۳) و یکی از دفتر شعرهای منتشر شده در دهه سخت که مسئولان صفحات ادبی روزنامه‌ها و نشریات و شاعران شناخته شده انقلاب مطالعه آن را به شاعران جوان و نوجوان توصیه می‌کردند و تأثیر فراوانی بر این شاعران و همسالان شاعر گذاشت. آثار بر جای مانده از وی عبارتند از: ۱- هم صدا با حلق اسماعیل (۱۳۶۳ ه. ش)؛ سروده های بعد و پس از انقلاب / ۲- گنجشک و جبرئیل (۱۳۷۱ ه. ش)؛ مجموعه اشعار عاشورایی / ۳- ترجمه گزیده ای از آثار جبران خلیل جبران با نام حمام روح (۱۳۶۴ ه. ش) / ۴- ترجمه کتاب نگاهی به خویش (مشترک با موسی بیدج)؛ مصاحبه های ادبیات معاصر عرب / ۵- بیدل، سپهری و سبک هندی (۱۳۶۷ ه. ش) / ۶- مشت در نمای درشت (۱۳۷۱ ه. ش)؛ معانی بیان در ادبیات و سینما / ۷- کتاب براده ها (۱۳۶۵ ه. ش)؛ نقد موضوع های گوناگون هنری و ادبی، دکتر حسینی در نهم فروردین ماه ۱۳۸۳ بر اثر سکنه ی قلبی روی در نقاب خاک کشید. در چهارمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۳ از وی تقدیر شد.

نقد ادبی و ضرورت آن

برای تعریف نقد ادبی، در ابتدا باید تعریفی هر چند نسبی از ادبیات به دست داد. یکی از رایج ترین تعاریفی که برای ادب یا ادبیات ذکر کرده اند عبارتست از «مجموعه ی آثار مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و خیالها را در عالی ترین صورت تعبیر کرده باشد.» (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۶ ج ۱) از جمله تعاریف دیگری که برای ادبیات می توان آورد آن است که ادبیات فعالیتی ذوقی و تجسمی از اندیشه و احساس انسان است و گاه گفته می شود که ادبیات الهامی از طبیعت و زندگی انسان است. (ر. ک نقد ادبی شوقی ضیف، ترجمه لمیعه ضمیری)

نقد ادبی برگرفته از ادبیات است و اصلی ترین موضوع بحث آن را نیز ادبیات تشکیل می دهد اگر چه نقد ادبی را نمی توان به دلیل آمیختگی آن با جنبه های هنری و ذوقی، به عنوان یک دانش یا علم در مفهوم خاص خود تلقی کرد ولی بی تردید نوعی دانش ادبی محسوب می شود. بنابر تعریف کادن «نقد ادبی» فن یا علمی است که به مقایسه، تجزیه و تحلیل، شرح و تفسیر و سنجش آثار ادبی اختصاص دارد. (شایگان فر، ۱۳۸۴: ۱۷)

تاریخچه ی نقد ادبی به یونان و روم باستان برمی گردد، اریستوفان، سقراط، افلاطون و ارسطو از جمله منتقدان یونانی و دانه آلی گیگ ری، سیرون، هوراس و سفکا از منتقدان روم به شمار می روند، نقد ادبی انواع متعددی دارد که شامل نقد متنی، سنتی، فرمالیسم، نقد نو، ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی، روان شناسانه و اسطوره گراست.

نقد ادبی کاری خلاق است و گاه منتقد ادبی به اندازه ی صاحب اثر باید دارای ذوق و خلاقیت باشد در حالی که نویسنده و شاعر ضرورتاً اهل فضل و آشنا به همه ی فوت و فن های علوم ادبی نیست حال آن که منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد. بدین ترتیب می توان به اهمیت نقد ادبی در گسترش ادبیات و متعلقات آن پی برد زیرا با نقد ادبی اولاً همواره ادبیات و علوم ادبی متحول و زنده می ماند زیرا منتقد در بررسی آثار والا از آن بخش از ابزارهای ادبی استفاده می کند که کار آمد است و خود به خود برخی از ابزارهای علمی و فنی فرسوده از دور خارج می شوند و ثانیاً با بررسی آثار والا معیار و ابزارهای جدیدی را کشف می کند و به ادبیات کشور خود ارزانی می دارد. خوانندگان به کمک منتقدان ادبی معییری به دست می آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی و فنی نهند و این باعث می شود که جریان فرهنگی و هنری و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان رأی و اندیشه و ذوق و نبوغ، مقام شایسته ی خود را باز یابند.

هنگامی که سخن از ضرورت نقد ادبی به میان می آید، ابتدا این سوال مطرح می شود که آیا ادبیات می تواند بدون نقد ادبی وجود داشته باشد و به کا رخود ادامه دهد؟ پاسخ آن است که ادبیات می تواند بدون نقد ادبی نیز وجود داشته باشد، همچنان که زبان می تواند بدون وجود دستور زبان موجودیت خود را حفظ کند. آنچه منتقد انجام می دهد، استخراج و طبقه بندی و به کار گیری این اصول و موازین در جایگاه صحیح خود، و انتقال تجربه هاب ادبی و هنری گذشتگان به آیندگان است و همین نکته است که نقد ادبی را برخوردار از ارزش و اهمیتی غیر قابل انکار می سازد. نقد سالم و سازنده در ضمن آنکه می تواند نقاط ضعف و قوت آثار ادبی را آشکار سازد، ارزش واقعی این آثار را نیز معلوم می کند. منتقد بصیر و بی غرضی که از ذوق سرشار و فهم نکته یاب بهره دارد، به مدد علم و منطق در تهذیب و ترقی هنری، وظیفه ی مهم و موثری را بر عهده می گیرد. (امامی، ۱۳۷۷: ۲۰)

نقد ادبی امکان درک نکته های بدیع و لطیف آثار را فراهم می کند در نتیجه خواننده می تواند از مطالعه ی آثار ادبی بهره و لذت برد.

هدفای نقد ادبی

برای نقد ادبی وظایف و هدفهای متعددی را می توان مطرح کرد که در مجموع، حوزه ی گسترده ی کاربردهای نقد ادبی را نشان می دهند. این حوزه از نقد متون که نوعی فعالیت آغازین در نقد ادبی است شروع می شود و تا تفسیر و داوری آثار ادبی که اوج کار نقد است ادامه می یابد. در این میانه،

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



مباحث نظری مانند ماهیت و اهمیت ادبیات، و غایتی که ادبیات پیش چشم دارد نیز بخشی از قلمرو و موضوعی نقد را تشکیل می دهد. عمده ترین و اصلی ترین هدفهای نقد ادبی در مراحل عالی کار و پس از مباحث مقدماتی و نقد متون، شامل موارد زیر است:

(الف) شرح و تفسیر

(ب) مقایسه و ارزش گذاری

(ج) جنبه های استدلالی و توجیهی

توجه داشتن به این هدفها سبب می شود تا فرایند نقد، حالتی ناقص و ابتر به خود نگیرد و از تفسیرها و ارزش گذاریهای کلی و مبهم که گاه یکسره مبتنی بر سلیقه های فردی و بدون استدلال و توجیه معقول است، دور باشد. (امامی، ۱۳۷۷: ۱۴)

گونه ی نقد ادبی

صاحب نظران پیش از این در مفهوم لغوی و اصطلاحی نقد ادبی بسیار گفته اند و ما هر چه در این خصوص بگوئیم جز تکرار نخواهد بود با این همه موضوع بحث چنین تکراری را ايجاب می کند نقد ادبی نقد سره کردن است یا باز شناختن سره از ناسره ی پول و سخن و مراد از سره کردن سخن، آشکار کردن محاسب و معایب آن است اما در مفهوم اصطلاحی نقد ادبی اتفاق نظر واقعی وجود ندارد؛ گرچه عبارات مولفان و منتقدان در این باب شباهت هایی دارد اما یکسان نیست این اختلاف رای به پیدایش مشرب ها، و مکتب های انتقادی متعددی منجر شده و ناقدان و صاحب نظران فن نقد را بران داشته است که برای این مبحث نشانه هایی قائل شوند و هر شاخه را جداگانه تعریف کنند. با این همه نیاز به تعریف ریشه ی نخستین، یعنی نقد ادبی را در شناسایی و بررسی سبک ها دانسته اند به شرطی که سبک را به معنای وسیع آن منظور کنیم؛ یعنی آن را علاوه بر روش های لفظی بیان، شامل روش های نویسنده و طریقه ی تألیف و بیان اندیشه و احساس او بدانیم گاهی آن را «تفسیر آثار ادبی» شمرده اند و گاهی نیز با تکیه بر مفهوم منطقی رایج کار منتقد را به بررسی گستره ای اصلی که ساختار ادبی بر پایه ی آن شکل می گیرد منحصر ساخته اند یکی جوهر که محور آن اندیشه، عاطفه و خیال است و دیگری عرض که شکل و قالب با ویژگی های سبک ترکیبات و الفاظ چارچوب را تشکیل می دهند. (بهشتی و داوری، ۱۳۸۸: ۲۸)

شعر پایداری و سید حسن حسینی

از تحولاتی که تأثیری شگرف بر ادبیات معاصر ایران گذاشت، ادبیات منظوم جنگ و دفاع مقدس بود. شعر جنگ به لحاظ زمانی، حد فاصل بین شروع تجاوز عراق-۱۳۵۹ تا روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸-۱۳۶۷ را در بر می گیرد و از جهت درونمایه، تشویق و تکریم دوست و تحقیر و تهدید دشمن، همچنین تقویت روحیه ی سلحشوری، ملی و دینی برای حفظ وطن و انقلاب است.

سید حسن حسینی از شاعرانی است که در جبهه های جنگ حضور داشتند، وی تلاش می کرد تا با سرودن اشعار حماسی روحیه ی مبارزه و شهادت طلبی را در وجود مبارزان افزایش دهد. حسینی در قالب های مختلفی شعر سروده است که یکی از این قالب ها غزل بوده است، غزل این شاعر در برگیرنده ی مضامین دفاع مقدس مانند: دعوت به مبارزه، شهید و شهادت، استفاده از شخصیت های دینی و اسلامی، ستایش و تجلیل از مبارزان، استفاده و اقتباس از واژه ها و تعابیر قرآنی و احادیث است شعر به علت موزون بودن و آهنگ و طنین خاص خویش، در میان مردم جای خود را باز کرده، با عواطف و احساسات آنها عجین شده؛ است. شعر بر این اساس اثر شگفتی بر روح و جان آدمی می گذارد؛ بخصوص اشعار دفاع مقدس، که در انگیزش رزمندگان و ایجاد روحیه جنگجویی و رشادت و شجاعت و شهادت طلبی در آنها، نقش اساسی داشته است.

- شعر پایداری

اشعار پایداری را می توان؛ در دو زیر شاخه مورد بررسی قرار داد:

- شعر دفاع مقدس: شعر دفاع مقدس، آثار منظوم هنگام نبرد و بعد از نبرد و زمان صلح می باشد
- شعر جنگ: شعر جنگ آثار منظومی است که از لحاظ زمانی حدفاصل بین شروع تجاوز دشمن تا پذیرش قطعنامه (۵۹۸) را در بر می گیرد. جنگ در ذات خود پدیده ای سیاسی است اما تا زمانی که بزرگان ملت با دشمن از در مذاکره در نیامده اند اصولاً توجهی به این سرشت سیاسی ندارند. مردم ایران از پس قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران به سرشت سیاسی جنگ توجه پیدا کردند. سروده هایی که از این زمان به بعد با ویژگی تشویق و تکریم دوست و تحقیر و تهدید دشمن وهم چنین انتقاد از برخی کارگردانان جنگ شکل گرفته می گیرد به دوره سیاسی جنگ یعنی دوره دفاع مقدس تعلق دارد. (حسینی؛ ۱۳۸۷: ۱۱)

- تعریف شعر جنگ:

مجموعه سروده هایی را که در قالب های گوناگون اعم از سنتی و نو- نیمایی و سپید- شکل گرفته اند و درونمایه اصلی آنها تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه مذهبی- ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر جنگ می نامیم. شعر جنگ به لحاظ زمانی حدفاصل بین

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



شروع تجاوز «دشمن» تا روز پذیرش «قطعه نامه ۵۹۸» را دربرمی گیرد. شعر جنگ در ردیف اشعار حماسی است. و شعر حماسی خصوصیتش برانگیختن، سلحشوری و ایجاد انگیزش برای مبارزه و ایستادگی در برابر قدرت های متجاوز و در نهایت ترویج روحیه قهرمانی است. (حسینی؛ ۱۳۸۷:۱۰)

بررسی انواع نقد با نگاهی به اشعار سید حسن حسینی

نقد ادبی اخلاقی

نقد امروزه با گسترشی که یافته است به شیوه های گوناگونی تقسیم گشته است که یکی از این شیوه ها نقد اخلاقی نامیده می شود. اینگونه نقد به بررسی و ارزیابی آثار ادبی بر اساس سنت ها و قوانین اخلاقی و آداب و رسوم مقبول روزگار می پردازد. اینگونه نقد پیشینه ای طولانی دارد؛ زیرا که انسان از نخستین روزهای زندگی خویش، همواره پای بند نوعی از معیارها و رسوم اخلاقی بوده (درگاهی، ۱۳۷۷:۲۱۹)

خواجہ نصیر طوسی در تعریف علم اخلاق چنین می نویسد «اخلاق علم است به آن که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به حسب ارادت از او صادر شود جمیل و محمود بود یا قبیح و مذموم» (طوسی، ۱۳۷۳:۴۸) بنابراین اخلاقیات به کلیه اشعاری گفته می شود که شاعر بدون توجه به احساسات و منافع خصوصی خود را از روی کمال حسن نیت و به سائقه ی بشر دوستی در مسائل گوناگون که بنا به اعتقاد او اصلاح اخلاق عمومی و سعادت مندی و خوشبختی افراد بسته به آنهاست سروده است. از این جنس سخن که قسمت عمده آن بی شبهه عالیترین و جاودانه ترین اقسام شعر است خوشبختانه سرمایه کافی در ادبیات فارسی موجود می باشد. عشق به بشریت و نیکوکاری و نوع پروری و نوع دوستی بیش از هر چیز در آثار شاعران معاصر ما پرتو افکن است.

از میان انواع رایج نقد در روزگار ما، نقد اخلاقی دارای سابقه ی کهن تری است افلاطون در جمهوریت به تاثیر اخلاقی شعر توجه داشته و ارسطو مساله تزکیه را با عبرت پذیری از سرنوشت قهرمانان در تراژدی مطرح می کند. نقد اخلاقی به روشن کردن جنبه های تاریک و روشن آثار ادبی از لحاظ اخلاقی می پردازد بدین معنی که هر اثر ادبی که از حوزه ی قواعد اخلاقی پا فراتر بگذارد، بد و زشت و ناپسند است و هر اثری که اصول اخلاقی را خوب و روشن گفته یا رعایت کرده باشد پسندیده و با ارزش است (محبتی، ۱۳۸۸:۴۶۸)

توجه به ارزشهای زیبایی شناختی شعر در ضمن نقد اخلاقی، و یا در حاشیه ی آن سبب می شود تا موجودیت شعر به عنوان پدیده ای ادبی و هنری همچنان پیش چشم داشته شود. بنابراین منتقدی که سروده ای را صرفاً به اقتضای جنبه های اخلاقی آن مورد بررسی قرار می دهد، ناخواسته مخاطبان خود را محدود می کند، زیرا تنها صنفی خاص - اخلاقیون - را ارضاء می کند، در حالی که مخاطبان دیگری نیز دارد که ارزشهای اخلاقی و هنری در کنار یکدیگر را موجب ارزشمند بودن اثر می دانند و یا حتی شاید ارزش هنری را برتر پندارند. و آنچه اثری را شایسته ی رویکردی اخلاقی می سازد، مایه های قابل اعتنای اخلاقی در آن است این سخن بدان معنا نیست که اگر اثری یکسره مشتمل بر مطالب اخلاقی نبود، شایستگی نقد و بررسی اخلاقی را ندارد بلکه برعکس، هر اثری می تواند با وجود زمینه های دیگر خود، به اقتضای نقطه نظرهای موجود در آن، مناسب فرایند نقد اخلاقی هم باشد. (امامی، ۱۳۷۷:۱۲۳)

مهم ترین کار در نقد اخلاقی این است که مشخص گردد، آیا هنر در خدمت اخلاق بوده است یا اینکه هنر برای نشان دادن احساسات و عواطف یا موارد دیگر به کار گرفته شده است و بر اساس این رویکرد هنری را که در خدمت اخلاق باشد را می توان اثر اخلاقی دانست. بنابر این نقد اخلاقی در آن ارزش های اخلاقی را اصل و ملاک نقادی شمرده اند شاید از قدیمی ترین شیوه های نقد ادبی است.

در زمان جنگ و بعد از جنگ « تبلور اخلاق اسلامی » به شکلی خاص مشاهده می شد به گونه ای که در بیشتر اشعار حسینی دوران اعتماد و یقین را می توانست دید. شاعر به همه چیز با اطمینان نگاه می کرد هر چند که خانواده اش از صدای موشک ها آرامش و اطمینان نداشتند. حسینی به راستی شاعری مسلمان و متعهد است که با شعرهایش در پی ترویج فرهنگ دینی و اخلاق اسلامی بر آمده است. شعر او واقع بینانه، پند آموز و پیام اشعارش کسب ارزش های متعالی معنوی و پرهیز از تعلقات دنیایی است اما اخلاق اسلامی گوهر او را به گونه ای در صدف دوران جنگ پرورش داده بود که متانت و مناعت طبع و مهربانی و عذوفت را حتی در نگاهش می توانستی ببینی. و حتی در اشعارش با شخصیتی ممتاز روبرو می شدی.

پایداری و مقام دوستی پروردگار

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



خداوند، کسانی را که در راه او، صف در صف، به مانند بنایی ریخته شده از سرب (استواری و پایداری) جهاد می کنند به مقام دوستی خود بشارت داده است:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا صَفًا كَأَنَّهُمْ بِنَانٍ مَرصُوصٌ) (صف/ ۴)

از این رو، ریشه اصلی فرهنگ مقاومت در میان امت های اسلامی، در قرآن و آموزه های دینی یافت می شود، اندیشه های دین مبین اسلام که در قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و آموزه های اهل بیت (ع) تجلی یافته است، نمونه های فراوانی در این زمینه، بویژه درباره ی اهمیت پایداری، برپایی عدالت و ایستادگی در برابر ستم و تجاوز دارد.

حسینی در شعرهای زیر با بهره گیری از مضمون های قرآنی، مخاطبان را به پایداری و ایستادگی فرا می خواند؛
بانگ تکبیر شما مزده ی فتحی است تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

(حسینی «هم صدا با حلق اسماعیل» ۱۳۸۷: ۱۸)

روزی خواران سفره ی عشق اند تا ابد ای زندگان خاک! مگوید مرده اند

(همان: ۲۰)

میهن دوستی

پیوند میهن دوستی مثبت با ارزش های دینی و اخلاقی از جلوه های بارز و شاید هم از نوآوری های ایشان در شعر پایداری باشد.

تاریخ اسلام و شخصیت های قرآنی - تاریخی بسامد فراوانی را در شعر سید حسن به خود اختصاص داده است:

در امتداد پرسش تاریخی حسین (ع) فواره های خون شما بهترین جواب

(حسینی، «هم صدا با حلق اسماعیل» ۱۳۸۷: ۲۴)

ما از عشیره ی خون، روین تان عشقیم شمشیر ما شهادت ایمانمان سپرها

(همان: ۲۶)

ای کرده کاوه های زمان را / - در عصر مار دوش - / (یاوه) قلمداد/ اینک در طلوعه ی خونبار/ انگشت موش های تجاهل را/ از دخمه های گوش بیرون

آرا! / زیرا به رغم باور تو/ دیری ست/ بر آسمان شهر/ فانوس سرخ صاعقه/ می سوزد (همان: ۳۹)

تا نعره ی تکبیر بر این خاک زدند مانند ستاره سر به افلاک زدند

کردند بسی مشعله از خون شهید آتش به سرا پرده ی ضحاک زدند

(همان: ۱۳۳)

نقد وضعیت پایداری در اشعار سید حسن حسینی

از دیگر ویژگی های شعری سید حسن حسینی، نقد اوضاع پایداری براساس رویکردهای دینی است. این نقد، همراه با انتقاد و اعتراض، بیان ارزش ها و

آرمان های اصیل انقلاب اسلامی و سرزنش مخاطبانی است که با فاصله گرفتن از ارزش های مقاومت به دنیا گرایی خو گرفته اند؛

ماجرای این است: کم کم کمیت بالا گرفت جای ارزش های ما را عرضه کالا گرفت

احترام یا علی، در ذهن بازوها شکست دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست

فرق مولای عدالت بار دیگر چاک خورد خطبه های آتشین متروک ماند و خاک خورد

زیر بارانهای جاهل، سقف تقوا نم کشید سققهای سخت، مانند مقبوا نم کشید

اندک اندک قلبها با زر پرستی خو گرفت در هوای سیم و زر، گنبد و کم کم بو گرفت

(حسینی، «سفرنامه گردباد» ۱۳۸۸: ۱۴۸)

و در بیانی حسرت آمیز به سرزنش ریاکاران و ناکسانی پرداخته است که توده های مردم را با ناجوانمردی به سوی ضد ارزش ها سوق می دهند:

روزگار کینه پرور عشق را از یاد برد باز چون سابق کلاه عاشقان را باد برد

سازهای سنتی آهنگ دلسردی زدند ناکسان بر طبلهای ناجوانمردی زدند

دود در دود و سیاهی در سیاهی حلقه زن گرد دلها هاله ای از تباهی حلقه زن

(همان: ۱۵۰ و ۱۵۱)

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



همو ریشخندهای جاهلان را نسبت به خون پاک شهیدان، اینگونه مورد باز کاوی و نکوهش قرار می دهد:

من ز پا افسادن گلخانه ها را دیده ام	بال سوزن خورده ی پروانه ها را دیده ام
انفجار لحظه ها افتادن آواز اوج	بر عصب های رها پیچیدن شلاق موج
دیده ام بسیار مرگ غنچه های گیج را	از کــــــــــــم افتادن آلاله افلیج را
در نخاع بادها ترکش فراوان دیده ام	گردش تابوت ها را در خیابان دیده ام
سروها را دیده ام در فصل های مبتدل	خسته و سر در گریبان- با عصا زیر بغل
تن به مرداب مهیب خستگی ها داده اند	تکیه بر دیواری از وابستگی ها داده اند

(همان: ۱۵۴-۱۵۵)

این شاعر متعهد از دشواری ها و چالش های موجود در جهان اسلام غافل نبوده اند، بلکه شعر خویش را روزنه ای برای باز کاوی و بازخوانی چنین موضوع هایی قرار داده اند؛

سید حسن حسینی در شعر «آل اسلام به پا می خیزد» به گمراهی و نفاق خاندان آل سعود، چنین اشاره می کند:

بوسه بر قبر پیمبر ممنوع/ بوسه بر پنجه ی شیطان مشروع/ چهره منحوسان آل سعود! / ننگ بر زشتی قاموس شما/ دین فروشان هم آواز جحود/ زود باشد که بگیرد ناگاه/ شعله در خرمن سالوس شما/ گوشتان هست اگر، گوش کنید: بغض شب می ترسد/ در سحرگاهان قیام/ آل اسلام به پا می خیزد/ و فرو می میرد/ آخرین بت بت فانوس شما.... (حسینی، «هم صدا با حلق اسماعیل» ۱۳۸۷: ۵۷)

موضوع قدرت طلبی رژیم بعثی عراق و فتنه های شیطان بزرگ (امریکا) نیز در شعرا آمده است:

خصم بعثی که بود فتنه گر و عربده جو باده مرگ کشد دم به دم از ساغر تان |

(همان: ۱۷)

با خصم نبرد تن به تن باید کرد

از خون شهیدان تبری باید ساخت

چون گل کفن سرخ به تن باید کرد

«شیطان بزرگ» ریشه کن باید کرد

(همان: ۱۳۲)

نقد قرآنی و دینی در اشعار حسینی

یکی از موضوعات مهم ادبیات فارسی، پرداختن به ادبیات متعهد و بررسی دین و باورهای دینی است بی شک رسالت دینی از طریق زبان شعر و ادبیات و مورخان به گوش ما رسیده است و چه بسا اثرش از یک کتاب تاریخی هم بیشتر باشد دین اسلام منبعی فیاض و پایان ناپذیر برای شاعران و نویسندگان مسلمان بوده و هست و همگان بیش و کم، مستقیم و غیر مستقیم از آن برخوردار شده و مفاهیم و مبانی دینی فراوانی را در اشعار خویش آورده اند، در این خصوص بهار و شهریار از نمونه های بارزی هستند که در لابه لای اشعارشان باورهای دینی و آموزه های اعتقادی نمودی روشن دارد و اشعار دینی آنها در اعماق وجود هر مخاطبی نفوذ کرده است دین و باورهای دینی و تعالیم در باز آفرینی و دگرگونی شخصیت افراد و حتی جوامع انسانی تأثیر عمیقی داشته است زیرا مواظب دینی از مظاهر اصلی ادیان و مذاهب الهی است و توجه به آیات مقدس قرآن و حتی کلیه ی اخبار و احادیث اسلامی و مواظب موجود در کتاب نهج البلاغه روشنگر این حقیقت است که باورهای دینی مجموعه ای از قوانین است که تأمین سعادت مادی و معنوی انسانها را تعیین کرده است. کلیه ی مواظب و اندرزها و باورهای دینی و..... هر یک تحت شرایطی خاص به وجود آمده اند که نه تنها محتوای آنها بلکه طرز ادای سخنان نیز برای بیان حد و تلاش های فکری ملت ها و آزادی های اجتماعی و تعیین فرهنگ عمومی یک جامعه مساعدت می کند.

رابطه شعر با اندیشه ی دینی

«شعر چیزی جز انعکاس نیت و بازتاب اندیشه ها و عواطف شاعر در قالب هایی از الفاظ و کلمات زیبا و آهنگین که بر موازین عروضی و یا هجایی بنا شده است، نیست و در این قالب ها که اعتقادات و دلبستگی های دینی و آرمانهای معنوی و مادی شاعر چه خوب و چه بد و چه زشت و چه زیبا تجلی می کند و به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که درون» از لحاظ معنوی شعر فرزند جان شاعر و در عین حال نشانه و مبین سیرت و صورت عینی مافی الضمیر اوست که اگر برخاسته از دل و افروخته از سوز درون و درد آگاهی او باشد تأثیر آن نسبت به سخنان معمولی در اذهان افزون تر و عمیق تر است و لاجرم بر دل نشیند و انگیزه ی عواطف و بیداری افکار می شود.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



بنابراین در بسیاری موارد قدرت نفوذ «شعر آن احساسات بشری را که از جویبار حیات انسان سر می کشد، تحت تأثیر قرار می دهد و نمی گذارد عقل آدمی با آن وسایل کمیت و چون و چراهای مخصوص به خود، دخالتی در حرکت و هیجان آدمی داشته باشد به همین علت است که پدیده شعر یکی از حساس ترین پدیده های قاموس بشری است که ممکن است بطور مستقیم تغییراتی در متن حیات فردی و اجتماعی به وجود آورد. (رزم جو، ۱۳۶۹: ۶۵)

اما عامل مهمی که موجب سعادت تأثیر شعر می شود و بقاء و دوام آن را تضمین می کند کلیت و اشتمال معنی و جوهر سخن شاعر است یعنی آزاد شدن از اختصاصات و قیود شخصی و پرواز به سوی افقهای برتر. (همان، ۶۷)

شعر متعهد و متعالی می تواند به عنوان موثرترین وسیله در احیای ارزش های معنوی و آگاهی و بیداری مردم به کار آید. از ویژگی های شعر مسئول و متعهد؛ خدامحوری، آموزندگی، حقیقت جویی، عبرت انگیزی و ارزش های متعالی منبعث از جهان بینی توحیدی است شاعران متعهد از زمره ی: *إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذُكِّرُوا بِاللَّهِ كَثِيرًا* (شعر/۲۲۴) اند که با آگاهی از فرهنگ و نیازهای معنوی جامعه ی خویش همواره از سلاح شعر در راه پاسداری از شرف و کرامت انسانی و مبارزه با تباهی و فساد و تاریکی سود می جویند و هنر را برای اجتماع و نشر فضیلت و روشن فکری را برای روشنگری و ارشاد گم گشتگان و خدمت به مردم ارج می نهند و به کار می برند. (رزم جو، ۱۳۶۹: ۶۹)

اسلام مویذ هنر و شعر متعهدی است که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزش های معنوی به کار گرفته می شود و انسان را در طریق کمال به سوی الله راهبر گردد. (همان، ۸۱)

دامنه ی باورهای مذهبی بسیار گسترده است و شعر یکی از ابزارهایی است که می تواند بیانگر این باورها باشد چرا که شعر زایش اندیشه، احساس، عاطفه، دغدغه های انسانی، باورهای اجتماعی، آرمان ها ارزش ها، دلواپسی ها، دردمندی ها، آمال و خواسته های شاعر است که در قلمرو زندگی انسان ها و در شکل مطلوب می تواند به ایجاد تحول، نگرش و فرایندهای مختلف ارزشی و دینی منجر شود و شاعر با الهام از آموزه های دینی، مکنونات قلبی خویش را با توسل به شعر بیان و پیرامون خالق و مخلوق و مبدأ و معاد هنر نمایی می کند که به نوعی نمایانگر اعتقادات و چگونگی نگرش او به مقوله ی دیانت و دینداری است.

ادبیات پایداری در شعر معاصر فارسی، یکی از گونه های مستقل ادبیات اسلامی - انقلابی و متعهد به شمار می آید. این گرایش بومی که با بهره گیری از شاخص های دینی، اجتماعی، ملی، فرهنگی، فکری، حماسی و عرفانی به بیان تلاش ملت ایران در مبارزه ی با صاحبان زر و زور می پردازد، همواره با دین و ارزش های دینی در پیوند بوده است. برخی از ناقدان و پژوهشگران برای اصول و مبانی این حوزه به معرفی و تحلیل عنوانها و ساختارهای گوناگونی پرداخته اند. چالش اساسی این دیدگاه که نسخه ی ترجمه شده ی دیدگاههای ناقدان غربی است، دوری از خاستگاه ادبیات پایداری در ایران و دیگر کشورهای اسلامی است. مقاومت به عنوان یک ارزش انسانی، که بی ارتباط با فطرت انسان و ارزش های ملی - اجتماعی نیست، هنگامی که تجلی دینی می یابد، ماهیتی پیدا نموده و اهمیتش به مانند سایر ارزش های دینی، فزونی می یابد.

حسینی در شعرهای زیر با بهره گیری از مضمون های قرآنی، مخاطبان را به پایداری و ایستادگی فرا می خواند؛

بانگ تکبیر شما مژده ی فتحی است تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

(حسینی «هم صدا با حلق اسماعیل» ۱۳۸۷: ۱۸)

که اشاره به این آیه ی قرآنی دارد:

(وَآخِرَىٰ تُجِئُونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (صف/۱۳)

و در بیت زیر:

روزی خواران سفره ی عشق اند تا ابد ای زندگان خاک! مگویید مرده اند

(همان: ۲۰)

اشاره به این آیه ی قرآنی دارد:

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ) (آل عمران/۱۶۹)

همو در رباعی «نخله ی باور» نیز ضمن بهره گیری از مضمون های قرآنی (داستان ابراهیم(ع)) به جایگاه امام خمینی (ره) در فراخوانی مجاهدان به مبارزه و جهاد نیز اشاره می نماید:

ای کشته شب سیاه هول آور را در نور نشاندہ نخله ی باور را

فرزند خلیل بت شکن روح خدا! اینک بنواز ضربت دیگر را

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



(همان: ۱۱۹)

شاعر در بیت دوم به مضمون این آیه ی قرآنی اشاره نموده است:

(وَ تَاللّٰهِ لَأَكْبِدَنَّ أَعْنَآكُمْ بَعْدَ أَنْ تُؤَلُّوا مُدْبِرِينَ) (انبیاء / ۵۷)

سیره ی اهل بیت (ع) همواره الگوی بیشترشاعران ادب فارسی بوده است؛ فضیلت های بی شمار آن بزرگان، سرمشق های مناسبی برای آفرینش اخلاق، دلاوری، حماسه و جهاد بوده است. در این میان، حماسه حسینی به مانند خونی جاویدان در رگ های تاریخی- فرهنگی این ادبیات بوده است.

مایه ی اساسی بیشتر شعر پایداری حسینی برگرفته از فرهنگ جاویدان عاشورا است. وصف شجاعت ها و دلیری های آن حماسه سازان و پیوند میان آن رخداد با حماسه سازی های دلاور مردان دفاع مقدس در این مجموعه به روشنی دیده می شود:

در امتداد پرسش تاریخی حسین (ع) فواره های خون شما بهترین جواب

(حسینی، «هم صدا با حلق اسماعیل»، ۱۳۸۷: ۲۴)

رباعیات عاشورایی وی در مجموعه ی «هم صدا با حلق اسماعیل» سرشار از چنین سروده هایی است:

عالم همه خاک کربلا بایدمان پیوسته به لب خدا! خدا! بایدمان

تا پاک شود زمین ز ابنای یزید همواره حسین (ع) مقتدا بایدمان

(همان: ۱۳۰)

بشــــــــــــتاب برادر دلیرم، بشتاب عباس تویی! تازه فراتی دریاب

چون بود شهید عشق در کرب و بلا لب تشنه ی لیبک، نه لب تشنه ی آب

(همان: ۱۱۱)

آلاله خــــجـل ز روی گلفام تو شد گلگونه شفق ز برکت نام تو شد

رفتی به ره حسین (ع) و در آخر کار گل زخم گلوله زیب اندام تو شد

(همان: ۱۳۰)

نقد ادبی روان شناختی (با تاکید بر حدیث نفس)

ادبیات پدیده ای چند وجهی است در شکل گیری یک اثر ادبی، عوامل گوناگونی اعم از متنی، بون متنی و بینا متنی نقش دارند، از این رو فهم و نقد همه جانبه ی متن ادبی مستلزم نگاه میان رشته ای و بهره گیری از رشته های متنوع است یکی از این علوم که اخیراً به عرصه ی نقد و ادبیات راه یافته، روان شناسی است. نقد روان شناختی نوعی از نقد است که به برخی از شیوه های روانکاوی را به متون ادبی اعمال می کند و تفسیر هایی را از این متون به دست می دهد. (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۹)

پیوند میان ادبیات و روان انسان، نیازی به اثبات ندارد این پیوند همواره از کیفیتی متقابل برخوردار است روان انسان ادبیات را می سازد و ادبیات روان انسان را می پروراند ادبیات زبانی است روان شناختی که روانکاوی برای سخن گفتن درباره ی خودش یا نام گذاردن بر خودش از آن استفاده می کند و نقد روان شناختی در این میانه می کوشد تا پیوستگی های زنده و ملموس میان هنر و هنرمند را پیدا کند و به آنچه در ورای اثر ادبی است بپردازد در حالی که نقدهای سنتی و کلاسیک غالباً به جنبه های تاریخی، فکری و زیبا شناختی و یا اخلاقی توجه داشته اند به تعبیر دیگر بی آنکه مدعی شویم که تمام جوانب و جنبه های یک اثر می تواند در پرتو نقد روان شناختی مورد مطالعه قرار گیرد، اعتراف کنیم که نقد روان شناختی قادر است تا بعضی از جوانب و ابعاد اثر را که نقد ادبی در گذشته مورد غفلت قرار می داده است برای ما تفسیر کند. (امامی، ۱۳۷۷: ۱۳۰)

شاعر در عصر انقلاب و دفاع مقدس بیانی صریح دارد اما هر چه از این فضا دورتر می شود، به تدریج بر درون گرایی خود می افزاید و با بازگشت به خود، شکل بیانی او حالت حدیث نفس به خود می گیرد. روی آوردن به حدیث نفس به خاطر آن است که آنان که از نسل ظلمت اند، آن چنان گرفتار ظلمت و تیرگی شده اند که دیگر کسی حتی صدای او را نمی شنود تا چه رسد که آنها را فهم کند؛ لذا شاعر مجبور می شود بگوید:

من نامه هایم را به بال باد خواهم بست

International Conference on “the Third Millennium and Humanities”

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



من شعرهایم را

برای نسل دیگر

پست خواهم کرد

جای نشانی

پشت پاکت می نویسم

شهر ظلمت

کوچه ی بن بست

(حسینی، ۱۳۸۷: ۹۰)

آن جا که حسینی با مادر خود حضرت زهرا (س) به زبان درد سخن می گوید، نیز به شکلی به حدیث نفس روی آورده و بازگشت به خود را متجلی می سازد:

به مادرم که از نور

معطر است

سلام می کنم امشب

به مادرم می گویم:

بی آسمانم و زمین

نیشم می زند

مادرم را می خوانم

درد بی نشانی خاک

و دستش را می بوسم

دستی که

دو شاخه ی شاداب

در گلدان بهشت، به یادگار نهاد.

(هنان منبع، ص ۱۵۷)

نقد سورتالیسم (فرا واقع گرایی)

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



«سورنالیسم» در درجه ی اول نوعی نیروی عظیم گسستن است و ورود به آن نه از طریق تجارب، بلکه به دنبال دگرگونی ناگهانی روحی که همه شیوه های احساس کردن و اندیشیدن را زیر و رو می کند، امکان می یابد. انسانی که از زندگی روزمره ی خود راضی است نمی تواند خودآگاهی داشته باشد، تنها رنج است که آگاهی می دهد و تنها نومییدی است که در اعماق غرقاب درون، انسان را وادار می کند که به یک جست خود را بالا بکشد و به مناطق عالی شهود و اشراق نایل شود. در سنت شعر عرفانی فارسی همیشه بین واقعیت و حقیقت فاصله ای پر ناشدنی احساس می شده است دنیای موجود، عرصه ی حقارت ها، و شیطنت ها شمرده شده و شاعران در جستجوی دنیای آرمانی بودند بوده اند، حافظ به صراحت می سروده است که:

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست
عالمی دیگر بیاید ساخت وز نو آدمی

(حافظ، ۱۳۷۱:۳۵۶)

و مولانا داستان شیخ ما را به شکل های مختلف مطرح کرده است که:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسنام آرزوست
گفتند یافت می نشود جسته ایم ما
گفت آن که یافت می نشود آتم آرزوست

(مولوی، ۱۳۶۷:۲۰۳)

حسینی شاعر انقلاب و عصر تلاش و مبارزه است وی نیز مانند همه ی انقلابیون از یک سو آرمانگراست و برای رسیدن به دنیایی بهتر که برادری، برابری و ارزش های اسلامی بر آن حاکم باشد، تلاش می کنند؛ و از سوی دیگر، معتقد است که باید ضمن حفظ میراث های ارزشمند گذشتگان، جامعه را از قیود دست و پاگیری که استعمار با تفسیر غلط از ملیت و زندگی، بر دست و پای آدمیان نهاده است، رها ساخت. شعر رمانتیک نزاعی بین «آرمان گرایی» و «واقع گرایی» است. لینکلتر در این باره می گوید: «در آرمان گرایی نه تنها نشانی از قطع رابطه با سنت فکری رسمیت یافته و با سابقه نمی بینیم؛ بلکه هم آرمان گرایی و هم واقع گرایی پیامد جانبی فرایند صنعتی شدن هستند آرمان گرایی و واقع گرایی با هم بسیار در تضادند، ولی در واقع دو شیوه ی فکری همزادند.» (لینکلتر، ۱۳۸۵:۷)

آرمان گرایی همیشه در روح انسان های انقلابی وجود داشته و آنها همیشه به دنبال تغییر و تحول شرایط موجود بوده اند. در حقیقت رمانتیک های اجتماعی در جستجوی جهان پاکی و معصومیت، جهان عدالت و آزادی و برابری بودند. آن آرمانگرایی در پور شورترین شکل خود در صدد یافتن یا پی افکندن جامعه آرمانی بود. (جعفری، ۱۳۷۸:۱۸۳)

آرمان گرایی سید حسن حسینی کاملاً جنبه ی دینی و مذهبی دارد او در جستجوی جامعه ی بی طبقه ی توحیدی است جامعه ی آرمانی وی زمانی تحقق می پذیرد که پرچم سالار کربلا امام حسین (ع) در بر بام جهان در اهتزاز باشد:

ای یار ز خصم بی نیازت بینم
ای غنچه ی حق همیشه بازت بینم
ای پرچم ارغوانی خون حسین
بر بام جهان در اهتزازت بینم

(حسینی، ۱۳۸۷:۱۴۸)

یکی دیگر از جلوه های آرمان گرایی حسینی انتظار برای ظهور منجی عالم بشریت (عج) است با ظهور حضرتش جهان آن چه باید بشود، خواهد شد:

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران
از قله های پر غبار روزگاران
از بی کران سبز اقیانوس غیبت
می آید او تا ساحل چشم انتظاران

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



آید به گوش از آسمان؛ این است مهدی

خیزد خروش از تشنگان این است باران

(همان منبع، ص ۳۹)

یکی دیگر از جلوه های آرمان گرایی حسینی در اندیشه های جهان وطنی او تجلی می یابد و او نه تنها آرزوی آبادی وطن خویش، بلکه آرزوی آن را دارد که روزی جهان به تمامی از زنجیر ستم آزاد شود و همه ی جهانیان طعم آزادی را بچشد و سراسر خاک آباد شود:

شاید که در آن روز دلم شاد شود

روزس که جهان از ستم آزاد شود

سرتاسر خاک باید آباد شود

آبادی ایران نه فقط ایده ی ماست

(همان منبع، ص ۱۴۳)

به این ترتیب آرمان های شاعر اب گسترش فراوان تمام دنیا را در برمی گیرد و برای انسان، بما هو انسان و فارغ از رنگ، نژاد، ملیت و دنیایی سراسر عدالت و انسانیت را آرزو می کند که در آن ارزش های الهی حاکم واقعی باشند.

نقد ادبی تاریخی:

اگر منتقدی برای تحلیل یک اثر ادبی، حوادث یا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار دهد و به بحث درباره ی حیات شاعر و معاصران او و یا روابط او با هم عصران و یا گاهی به تحقیق درباره ی اسناد و مدارک و چند و چون صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب و چگونگی وجود تحریف و تصحیف و تصحیح اثر و جست و جوی اشارات و حوادث تاریخی و بحث هایی از این قبیل بپردازد به نقد تاریخی پرداخته است. (فضیلت، ۱۳۹۰: ۱۷۳)

نقد تاریخی در واقع وسیله تحقیق در تاریخ ادبیات محسوب می شود و در حوزه نقد ارجاع به بیرون از اثر، طبقه بندی می شود. شیوه ی نقد تاریخی یکی از رایج ترین شیوه های نقد است و اغلب در ایران به این شیوه توجه فراوان می شود، به طوری که بیشترین حجم تحقیق درباره شاعران از این مقوله است.

یکی از وقایع تاریخی در شعر دفاع مقدس واقعه ی تاریخی و بزرگ قیام عاشورا است که به شکل های مختلف این وقایع تاریخی بازتاب گسترده ای دارد زیباترین سروده های پایداری در تاریخ اسلام را باید در حماسه شگفت و عظیم عاشورا جست و جو کرد. امام عاشورا خود به مقتضای حال و اوضاع بدیهه سرایی هایی دارند که بسیار قابل توجه است. رجزهای امام حسین (ع) در صحنه نبرد، همگی شورانگیز و شکوهمند، کوبنده، حماسی و استوار و سرشار از مفاهیم و مضامین عمیق ایستادگی، پاکبازی و آزادگی است رزمندگان مبارز دفاع مقدس به لطف رشد و پرورش در سایه سار نخل تنومند شیعه و بنیان های عمیق آن همواره بر آموخته های واقعه خونین کربلا و امام آن در تسلیم نشدن بر باطل تکیه می کردند و به همین منوال «از سویی از آن جا که شاعران در این میان رویارویی خاصی میان حق و باطل احساس می کردند؛ برای تصویرگری شاعرانه آن در تاریخ اسلام، در جستجوی وقایعی مشابه آن بودند و البته در این میان واقعه عاشورا بهترین نماد برای رویارویی به نظر می آمد» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

جنگ در کنار همه ی دستاورد هایش در حوزه های سیاسی و نظامی و عملی و اجتماعی فرصت و بهانه ای برای عرضه و آفرینش شعر دفاع مقدس فراهم آورد. وقوع انقلاب اسلامی و به فاصله ی اندکی از آن جنگ تحمیلی از جمله عواملی بود که فصل جدیدی در تاریخ ادبیات فارسی به نام «شعر انقلاب» گشود که از درون مایه های اصلی آن می توان به «شعر جنگ» اشاره کرد. شعر جنگ سرشار از روح حماسه و دلاوری است و مضامین برگرفته از واقعه ی عاشورا سهم قابل توجهی در تقویت این روح حماسی دارد.

شعر جنگ از لحاظ فرم و محتوا دارای ویژگی های مخصوص به خود است که حضور ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورا یکی از این ویژگی ها است. موضوع اسارت و آزادگی در نتیجه «جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق» و متعاقب آن دفاع شرافتمندانه ای که از طرف جوانمردان ایران صورت پذیرفت عاشورا و کربلا دیگر را در تاریخ معاصر ایران رقم زد این حادثه برانگیختگی احساس و تعهد شاعران را موجب شد و توجه شاعران به این موضوع چندان ادامه یافت که توانستند بخش عظیمی از آثار خود را به این موضوع اختصاص داده و آثار قابل توجه و ارجمندی را در این زمینه پدید آورند. عاشورا به ویژه به سبب قرباتی که با جنگ و انقلاب می یافت به شکل حماسی و با نگاهی تازه در شعر امروز مطرح شد. از مضامین مطرح شده در شعر دفاع مقدس حماسه ی

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



عاشورا بخش مهمی را به خود اختصاص داده و جلوه های حماسی این رویداد بزرگ تاریخی به اشکال متنوع در شعر این دوره نمود یافته است شعرهای موفق کسانی چون: علی موسوی گرمارودی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور، حمید سبزواری، علی معلم، طاهره صفار زاده، مشفق کاشانی، احد ده بزرگی، علیرضا قزوه، سعید بیابانکی و دیگر بزرگان را می توان نام برد.

معراج مردن را قامت بستی

به زخم حسین^(ع) در ظهر عاشورا

و از این روست، ای دوست

که خورشید

در هر غروب

به زخم ستاره گون شقیقه ات اقتدا می کند

(حسینی، ۱۳۸۷: ۶۳)

عالم همه خاک کربلا بایدمان پیوسته به لب خدا! خدا! بایدمان

تا پاک شود زمین ز ابنای یزید همواره حسین مقتدا بایدمان

(حسینی، ۱۳۸۶: ۴۷)

در امتداد پرسشش تاریخی حسین فواره های خون شمسما بهترین جواب

(حسینی، ۱۳۸۷: ۶۳)

سبزیم که از نسل بهاران هستیم پاکیم که از تبار یاران هستیم

دور است ز ما تن به مذلت دادن ما وارث خون سربداران هستیم

(حسینی، ۱۳۶۸: ۱۴۶)

با زمزمه ی سرود یاران رفتند چون تیر شهاب در دل شب رفتند

تا زنده شود، رسالت خون حسین به نام شکوهمند زینب رفتند

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

از دیگر وقایع تاریخی ایران انقلاب انفجار نور است در دل ظلمت، اعلام مرگ کفر و شرک است، اعلام تولد انسان و انسانیت است سرنوشت انسان با دشمنی شیطان گره خورده است. انقلاب به عنوان پدیده ای مهم پیام را از زبان شاعران به مخاطبان خود می رساند با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، شعر فارسی وارد مرحله ای تازه از حیات خود گردید، روی آوردن شاعران به مضامین جدیدی مثل انقلاب، امام خمینی (ره)، دفاع مقدس، پایداری و... نشان از تحول سترگ در شعر فارسی دارد از سوی دیگر شکوفایی استعداد های جوانی که به تازگی به عرصه شعر و شاعری پا نهاده بودند و به طور کامل در خدمت اهداف والای نظام جمهوری اسلامی بوده، بوی خوش تعهد از سراسر شعرشان به مشام می رسد.

انقلاب اسلامی یکی از مهمترین تحولات سیاسی، اجتماعی قرن بیستم و تاریخ سیاسی معاصر ایران به شمار می رود. این انقلاب با بسیج سیاسی گسترده و فرا طبقاتی و نقش برجسته رهبری آن، اراده جمعی باعث شگفتی و اعجاب بسیاری از اندیشمندان، جامعه شناسان و سیاستمداران گردید. انقلاب ایران با برخورداری از آموزه های دینی و تاکید بر کرامت انسانی، نفی ظلم، استعمار و استثمار، توانست نقش بسزایی را در جهان اسلام ایفا کند.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



حرکت های بزرگ تاریخی بیش از هر چیز مدیون شخصیت های برجسته ای است که با نفوذ خود بر افکار و اندیشه های ملت ها و تحولات عمیقی را در جامعه بشری ایجاد کرده اند از جمله این شخصیتها امام خمینی (ره) بود که با رفتار خویش نام و یاد پیامبران و امامان مصلح را در ذهن ها زنده کرد او حسین زمان بود. در هر انقلابی، وجود رهبری که بتواند نارضایتی های موجود در جامعه را فعال سازد و آنها را به سمت براندازی هدایت نماید ضرورت جدی دارد:

نام آوران تا نعره های خون کشیدند	خورشید را از قلب شب بیرون کشیدند
فریادشان شهدی شد و در جام حق ریخت	تکبیرشان چون نور، در کام فلق ریخت
خفاش را بال و پر پرواز بستند	با گرز ایمان گردن شب را شکستند
«من» را به بند عشق در محبس گرفتند	تا اسم اعظم را از شیطان پس گرفتند

(حسینی، ۱۳۸۷: ۳۸)

سید حسن حسینی با آگاهی از اینکه امام بزرگوار بنیان برانداز تباهی و بنیانگذار نوین راستی و راست کرداری است، به او عشق می ورزد و طبعاً مرید امام خویش است در چشمه سارنگاه او جان می گیرد و جانب جانان مسیر خود را باز می یابد. شاعر در انتظار جرعه ای از جاری مهر نگاه مراد، لحظه شماری می کند و در نگاه او تبخیر و فانی می شود:

تویی قطب روحانی جان من	منم سالک فانی چشم تو
شفا می دهد آشکارا به دل	اشارات پنهانی چشم تو
از این پس مرید نگاه توام	به آیات قرآنی چشم تو

شاعر از عمق جان می سراید که تو فقط مقتدای سلوکم نیستی که جانم ذره ای بیقرار گردد آفتاب تابناک وجودت دوران می کند و هستی ام در نگاه تو محو می شود.

تویی قطب روحانی جان من	منم سالک فانی چشم تو
------------------------	----------------------

او که نقش بزرگ رهبری و هدایت را برعهده دارد اکنون شفابخش دلهای دردمند و جان های مشتاق است شاعر انقلاب می گوید: او با اشاره ی چشمی، دل همه وجود آدمی را از بلا نجات می دهد، نجات بخشی دل و جان و تأمین امنیت روان، بالاترین درجه اطمینان و اعتماد را در پی دارد:

شفا می دهد آشکارا به دل	اشارات پنهانی چشم تو
هلا توشه ی راه دریا دلان	مفاهیم طوفانی چشم تو

(حسینی، ۱۳۸۷: ۳۷)

نقد ادبی فرمالیستی (با تأکید بر مثنوی عاشقان سید حسن حسینی)

یکی از روش های درک ادبیات نقد ادبی فرمالیستی است که معتقد است برای خوانش و درک یک متن ادبی باید خلق آن متن را کنار گذاشت و به خود متن به عنوان یک موجود زنده نگاه کرد فرم اصطلاحی است که در تاریخ ادبیات استفاده های زیادی داشته و معناهای متعددی برای آن تعریف کرده اند. گاهی به ژانر یا قلب خلق اثر ادبی فرم می گفته اند مثلاً فرم شعر غنایی یا فرم داستان کوتاه.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



م.ح. ابرامز تعریف دیگری برای فرم ارائه می دهد: فرم به معنای درون مایه ی اصلی یک نقد ادبی است، یعنی تجربه یا موضوعی که یک اثر ادبی مطرح می کند. (ابرامز، ۱۹۹۸: ۷۳) ابرامز برای این تعریف توضیح می دهد که کلمه ی فرم از کلمه ی لاتین forma به معنای ایده مشتق شده است.

س. کرین یکی از بنیان گذاران حلقه ی شیکاگو که خاست گاه اولیه ی جنبش فرمالیسم در غرب است معتقد بود که فرم یک اثر ادبی پویایی کنش ویژه و خاص یا قدرت احساسی است که یک نوشته برای تاثیر گذاری آن خلق می شود و همین عنصر شکل ظاهری اثر را شکل می دهد. (کرین، ۱۹۵۳: ۸۳) نقد فرمالیستی معتقد است که عاقلانه ترین و بدیهی ترین نقطه برای شروع فهم یک شعر، خود شعر است به هر حال اولین چیزی که یک خواننده با آن روبرو می شود شاعر نیست بلکه مجموعه ای از کلمات است.

نقد فرمالیسم در واقع پاسخی است به سوالاتی که آ.ای. ریچاردز در نقد و عمل مطرح می کند: یک اثر ادبی چگونه عمل می کند؟ ظاهر یک اثر ادبی چگونه می تواند باطن اثر را به دنبال خود کشانده و به آن هویت ببخشد؟ محتوای اثر ادبی تا چه میزان تحت تاثیر فرم اثر قرار دارد؟ (ریچاردز، ۱۹۲۷: ۱۲)

پس هدف فرمالیست از شعر سرایی وجود خود واژه هاست. نقد فرمالیستی به رویکردی از نقد اطلاق می شود که در قرن بیستم ظهور کرد و اصالت متن را مبتنا قرار داده و به شکل و فرم اثر ادبی توجه نمود و برای اصالت مولف و جنبه های تاریخی، اخلاقی و ... اثر اهمیت چندانی قائل نبود. نقد فرمالیستی به رویکردی از نقد اطلاق می شود که بین سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۰ در روسیه جریان یافت این حوزه نقد ادبی، ادبیات را از دیدگاه زبان شناسی بررسی می کند و اثر ادبی را یک مساله صرفا زبانی می داند و فرم و شکل اثر را مبنای تحلیل زیبایی شناسی و راه رسیدن به معنای نهفته در اثر ادبی در نظر می گیرد. (خواججه گیری، ۱۳۹۰: ۱)

«در دیدگاه فرمالیست ها» اثر ادبی بیانگر عناصر وابسته به یکدیگر است، رابطه ی هر عنصر با دیگر عناصر، کارکرد آن در چارچوب نظام به شمار می آید. نقد فرمالیستی متن ادبی یک ساختار منسجم و هماهنگ محسوب می شود که در تمام عناصر موجود در آن با یکدیگر رابطه ی متقابل دارند و به (هم) وابسته اند (برتس ۱۳۸۳: ۵۷) از این منظر «هر عنصر منفرد کارکردی خاص دارد و به واسطه ی آن کارکرد به کلیت اثر پیوند می خورد.» (همان: ۵۷) با بررسی این مثنوی سید حسن حسینی و خواندن چند باره ی آن متوجه می شویم که شعر از یک انسجام کامل معنایی برخوردار است به نحوی که شاعر از آغاز تا پایان یک موضوع، درون مایه ی نسبتاً ثابتی را دنبال می کند شاعر در انتخاب واژه ها دو مرحله را پشت سر می گذارد؛ اول این که از بین ظرفیت های زبانی از قبیل: زبان فصیح ادبی، زبان محاوره و عامیانه و تعبیرات استعاری، مجازی کنایی و.. گزینش می کند. در مرحله دوم بعد از انتخاب واژه ها به گسترش زبان می پردازد از طریق به کارگیری واژه های کهن به ایجاد ترکیب های خاص یا قاعده افزایی های ترکیبی یا نشانه سازی و مدلول آفرینی و.. (امامی، ۱۳۷۷: ۲۴۱، ۲۴۰) بنابراین سعی می شود نقش هر عنصر شعری اعم از عناصر زبانی (شامل واژگان، ترکیبات، نحو متن)، عناصر بلاغی (شامل تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره، نماد، آرایه، و واج آرایه ..) و عوامل دیگر از جمله کارکردهای عاطفی و معنایی در ارتباط با یکدیگر و نیز در ارتباط با کل مجموعه در نظر گرفته شود.

نقل فرمالیستی مثنوی عاشقان نخست متن شعر آورده می شود سپس تحلیل و بررسی آن آغاز می شود.

بیا عاشقی را رعایت کنیم	ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آن ها که خونین سفر کرده اند	سفر بر مدار خطر کرده اند
از آن ها که خورشید فریادشان	دمید از گلوی سحرزادشان
غبار تغافل از جانها زدود	هشیواری عشقبازان فزود
عزای کهنسال را عید کرد	شب تیره غرق خورشید کرد
حکایت کنیم از تباری شگفت	که کویید درهم حصار شگفت
از آن ها که پیمانۀ «لا» زدند	دل عاشقی را به دریا زدند
بین خانقاه شهیدان عشق	صفا عارفان غزلخوان عشق
چه جانانه چرخ جنون می زنند	دفع عشق بادست خون می زنند
سر عارفان سر فشان دیدشان	که از خون دل خرقة بخشیدشان

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



چنین نغمه عشق سرمی کند	به رقصی که بی پاور می کنند
بزن زخم انکار برجان ما	«هلا منکر جان و جانان ما
نبینی تو هر گزدل آزرده مان	اگر دشنه آذین کنی گرده مان
که بی زخم مردن غم عاشق است	بزن زخم، این مرهم عاشق است
خلیلم! ما را به آتش سپار	بیار آتش کینه نمرود وار
به رسم شهیدان سرودن خوش است	در این عرصه با یار بودن خوش است
به رسم شهیدان تکلم کنیم	بیا در خدا خویش را گم کنیم
خموشی است هان! اولین شرط عشق	مگو سوخت جان من از فرط عشق
بیا تن به از خود گذشتن دهیم	بیا اولین شرط را تن دهیم
خموشند و فریادشان تا خداست	بین لاله هایی که در باغ ماست
تن از خاک تا لامکان می کشند	چو فریاد با حلق جان می کشند
سکوتی از این گونه فریادوار	سزد عاشقان را در این روزگار
که آلاله ها را حمایت کنیم	بیا با گل لاله بیعت کنیم
همآواز با باغبان خواندن است	حمایت ز گل ها گل افشاندن است

مثنوی عاشقان تصویر سازی غنی دارد شامل ۲۴ بیت است و سرشار از آرایه های ادبی از قبیل تشبیه ، استعاره، کنایه، نماد، ... است. تشبیه بیشتر از همه ی انواع دیگر خودنمایی می کند. مجموع این عوامل جنبه ی ادبی و هنری کلام را به حد پختگی و کمال رسانده است.

تشبیه

صور خیال در شعر سید حسینی موج می زند. تشبیه به صورت زیبایی خودنمایی می کند و بیشترین بسامد را دارد. اغلب تشبیهات نو هستند و وجه شباهت آنها دیرپاب است.

- از آنها که خورشید فریادشان: تشبیه صریح ، حسی به حسی
- دمید از گلوی سحرزادشان: تشبیه تصریح، حسی ب حسی
- غبار تغافل: تشبیه تصریح ، حسی به حسی
- دل عاشقی را به دریا زدند: تشبیه تصریح، عقلی به عقلی
- پیمانۀ «لا»: تشبیه صریح ، حسی به عقلی
- دف عشق: تشبیه صریح، عقلی به حسی
- چنین نغمه عشق سرمی کند: تشبیه مرسل ، حسی به عقلی
- زخم افکار: تشبیه صریح، عقلی به حسی
- بزن زخم این مرهم عاشق است: تشبیه صریح، خیالی
- بیار آتش کینه نمرود وار: تشبیه مرسل
- خلیلم!.. تشبیه مؤکد ، حسی به حسی
- به رسم شهیدان سرودن خوش است: تشبیه مرسل، حسی به حسی
- به رسم شهیدان تکلم کنیم: تشبیه مجمل، حسی به حسی
- چو فریاد با حلق..: تشبیه مجمل، خیال
- سکوتی از این گونه..: تشبیه مجمل، عقلی به حسی
- حمایت ز گل ها.. / همآواز با باغبان: تشبیه جمع ، مرکب، حسی به حسی

استعاره

عزای کهنسال را عید کرد استعاره غم ها را از بین برد

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



خانقاه: جایگاه

باغ: وطن، کشور

گل ها: شهیدان، مبارزان

باغبان: رهبر

کنایه

خونین سفر: شهادت / سفر بر مدار خطر: قبول خطر یا به درجه بزرگی نایل شدن / پیمانته «لا» زدن: نفی هر چه جز خدا / دل به دریا زدن قبول کردن سختی ها / سرفشان: از جان گذشته / خون دل: جان خود / رقصی که بی پا و سر میکنند: از خود بی خود شدن / دشنه آذین کردن: خیانت، از پشت خنجر زدن / دف عشق با دست خون زدن: جانفشانی / خون دل خرقه بخشیدشان: کنایه از خود بی خود شدن ، به درجه رفیع شهادت رسیدن / رقصی که بی پا و سر میکند: کنایه از خود بی خود شدن / در خدا خویش را گم کنیم: رسیدن به فنا فی الله / تن دهیم: قبول کنیم / لامکان: عالم معنا / گل افشاندن: ادامه دادن راه مانند آنها به درجه شهادت رسیدن /

تضاد

خوشند: فریادشان / سکوتی: فریاد وار

تلمیح

بیار آتش کینه نمرود وار / خلیلیم! ما را به آتش سپار

جناس

بیا اولین شرط را تن دهیم / بیا تن به از خود گذشتن دهیم

تن، تن: جناس تام

بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله ها را حمایت کنیم

لاله، آلاله ها: جناس زاید

تناسب (مراعات نظیر)

- از آن که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحرزادشان

خورشید ، دمید، سحر: تناسب

- شب تیره را غرق خورشید کرد: شب تیره، خورشید: تناسب

- ببین خانقاه شهیدان عشق / صف عارفان غزلخوان عشق

خانقاه، عارفان، تناسب

- چه جانانه چرخ جنون می زند / دف عشق با دست خون می زند

چرخ جنون، دف عشق

- سر عارفان سرفشان دیدشان / که از خون دل خرقه بخیدشان

عارفان، خرقه

- به رقصی که بی پا و سر می کنند / چنین نغمه سر می کنند

رقصی، پا، سر

- بیار آتش کینه نمرودوار / خلیلیم! ما را به آتش سپار . آتش، نمرود، خلیل

ببین لاله هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست لاله، باغ

بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله ها را حمایت کنیم گل ، لاله، آلاله

حمایت ز گل ها گل افشاندن است / همآواز با باغبان خواندن است

گلها، باغبان / همآواز، خواندن

واج آرایی

موسیقی خاصی در کل شعر وجود دارد که یکی از عوامل این زیبایی واج آرایی است.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



- بیا عاشقی را رعایت کنیم...: «ر»، «ا»، «ی»
- از آنها که خونین سفر کرده اند: «ا»، «ن»
- از آنها که خورشید: «ا»، «ش»
- غبار تغافل از جانها: «ا»، «ز»
- عزای کهنسال را عید: «ا»، «ز»
- حکایت کنیم از تباری: «ا»، «ی»، «ک»
- از آنها که پیمانہ: «ن»، «ا»
- بین خانقاه شهیدان: «ا»، «ن»
- چه جانانه چرخ جنون: «ن»
- سر عارفان سرفشان: «ا»، «ش»، «د»
- به رقصی که بی پا و سر: «ن»
- هلا منکر جان و جانان: «ن»، «ا»، «م»
- اگر دشنه آذین کنی: «ن»
- بزَن زخم، این مرهم عاشقی: «م»
- بیار آتش کینه: «ی»
- در این عرصه با یار: «ر»، «ن»، «ا»
- بیا در خداخویش: «ی»
- مگو سوخت جان: «ش»، «ا»، «ن»
- چو فریاد با حلق: «ا»
- سزد عاشقان را: «ر»
- بیا با گل لاله: «ی»، «ل»، «ا»
- حمایت ز گل ها: «ن»، «ا»

سجع

انواع سجع، موازنه، ترصیع به طور زیبایی توسط شاعر استفاده شده است. در این نوشتار انواع تفکیک نشده است و به طور کلی اشاره می شود. رعایت، حکایت، سفر، خطر، فریاد، سحرزاد، زدود، فزود، تباری، حصار، خانقاه، عارفان، شهیدان، غزلخوان، چرخ، دست، جنون، خون، گرده، آزرده / مرهم، غم، بودن، سرودن / گم، تکلم، فرط، شرط / جان، هان / جان، لامکان / لاله، آلاله / بیعت، حمایت / افشاندن، خواندن /

نماد

معانی واژه ها مجاز یا فراقاموسی هستند؛ معانی که شاعران آنها را خلق کرده است. ابهام آفرینی و عمق بخشی و جستن راهی برای غنای جوهر هنری و ادبی آثار از مسیر نماد پردازی و نماد آفرینی یا آشنایی زدایی از نمادهای پیشین. غنای معنایی و چند آوایی کردن آثار هنری از طریق نماد پردازی. از نماد برای انتقال مفاهیم و معنای کلی استفاده کرده است. (پور نامداریان، ۱۳۶۴: ۳، ۷) نمادها در همه زمان ها ثابت اند آنچه مشخص است این است که دیدگاه جمعی و اجتماعی در برابر لایه های معنایی آنها تغییر میکند (برتنس: ۱۳۸۳: ۶۷) از این روست که گاهی معنی های گوناگون و متضاد در دو حوزه کاربردی یک نماد دیده می شود. همانگونه که گفته شد ممکن است نماد یا سمبلیک معانی متعددی داشته باشد. گذاشتن در آخر هر واژه اشاره است به این که میتواند معانی دیگر هم داشته باشد که با متن موجود سازگار است.

خورشید: روشنگری و حقیقت / سحر: روشنی و پایان تاریکی / شب: ستم / دریا: عالم معنا / دف: شادی و سرور و معنوی / غرور: دشمن، نفس / آتش: پاکی / خلیلم: از بین بردن هوای جسمانی، مرگ عالم حیوانی / لاله ها: شهیدان / گل لاله: شهید / آلاله ها: شهیدان.

وزن شعر

مثنوی عاشقانه در بحر متقارب مثنی محذوف (فعولن، فعولن، فعولن، فعل) سروده شده است شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی هم بر این وزن سروده شده اند.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



ردیف

کنیم، کنیم / کرده اند، کرده اند / کرد، کرد / شگفت، شگفت / زدند، زدند / عشق، عشق / می زند / می کند، می کند / ما، ما / است، است / خوش است / کنیم، کنیم / عشق، عشق / دهیم، دهیم / می کشند، می کشند / کنیم، کنیم / است، است / هفده بیت این مثنوی دارای ردیف است.

قافیه

شعر در قالب مثنوی سروده شده است مثنوی قالبی سنتی است هر بیت دارای قافیه جداگانه است اقتضای قالب شعر این است که هر بیت قافیه مخصوص به خود را داشته باشد.

گزارش معنایی شعر

بیا به مانند عاشقان راه حق باشیم و از دلباختگان کوی عشق (شهیدان) سخن بگوییم. از آنهایی که پا در راه شهادت نهادند و بزرگی (خطر) را به جان خریدند از آنها که سخنان تازه و تأثیر گذارشان غبار بی خیری و نادانی را از جان دلها زدود و آگاهی و عشقشان را فزود. تیره گی و تاریکی کهنه را به جشن و شادی و تاریکی ها را به روشنی تبدیل کرد از تبار و نژادگان شگفت (شهیدان) سخن بگوییم که حصارهای تن و دنیایی را درهم کوبیدند و جام شهادت را نوشیدند و عاشقانه به عالم معنا رفتند. بین جایگاه مبارزان جهاد الهی و راهیان به سوی معرفت الهی را که چگونه با جان و دل جهاد میکنند و شاد و سرخوش با جان و دل به سوی شهادت حق می روند و خرقه می اندازند و از خود برون می شوند فنا فی الله و با خدا تنها شدن را اینگونه می خوانند. «ای که باعث فانی ما ما را به سوی خودت ببر اگر با شمشیر ما را از میان برداری ناراضی نیستیم». زخم تو مانند مرهمی است برای عاشق بسان نمود آتشی برافروز مانند خلیل مرا به آتش بسپار (آتش سرد و سالم برایم خواهد بود و گواه صداقتم) و با این کار مرا از عالم مادی برهان. در این عرصه مانند شهیدان با یار بودن و خواندن خوش است. بیا به فنا فی الله برسیم. مگر سوخت جان من از فرط عشق! هان اولین شرط عشق خاموشی است شهادت است بیا اولین شرط عشق را پذیریم و جان سپاری کنیم. بین شهیدانی که در وطن ما هستند با شهادتشان به خدا رسیده اند. و با عمق وجود خدا را صدا میکنند و جسم خاکی را به بی مکانی می کشند و به عالم معنا می رسند. شهیدان لایق این گونه سکوت فریادوار هستند شهادت شما بالاترین فریادهاست و از هر فریادی تأثیر گذارتر است. بیا با شهید عهد و پیمان ببندیم که جهادگران و شهیدان را یاری کنیم. حمایت از شهیدان ادامه دادن راه آنها و رسیدن به درجه شهادت است و هم صدا با رهبر خواندن است.

استنتاج

حسینی، از شاعران برجسته ی شعر دینی و پایداری در روزگار ما به شمار می آید. مجموعه های گوناگون شعری او، گرایش فکری و ادبی آنها را به سوی پایداری، بیداری، تعهد، آرمان خواهی و عدالت محوری بیان می کند. دکتر سید حسن حسینی شاعری مذهبی و متعهد بود و باورهای دینی در منظومه فکری وی جایگاه والا ای داشت و وقتی اهداف انقلاب را موازی با باورها و تفکرات دینی خود هم سو می بیند، چه قبل از انقلاب و چه در طی انقلاب و چه در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از ظلم و ستم های دشمنان انقلاب و بیدادگری های مستکبران داخلی و خارجی آزرده و خشمگین شده، لب به اعتراض می گشاید و هم پای خیزش عمومی مردم ایران او نیز به کمک هنر شعری خود وارد عرصه می شود و با جهاد قلمی خود در این راه به وظیفه دینی و ملی خود عمل می کند.

ادبیات پایداری در شعر حسینی شاخصه های خاص خود را دارد و وی به کمک استعداد کم نظیر خود با زبان هنری و خاص خود، هم از رهبر انقلاب، یاوران انقلاب، جهادگران و ... ستایش می کند و هم مردم پشت جبهه را برای یاری رساندن به رزمندگان تحریک و تشویق می کند و هم با ترسیم پیروزی و فرادای روشن، شعله های امید را در دل جهادگران روشن نگه می دارد و با تحقیر دشمنان اسلام شکست آنها را تسریع می بخشد و با پرداختن به ارزش های والای انسانی، وظایف مهم ادبیات پایداری را به تصویر می کشد.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی ندوشن، محمد علی، (۱۳۵۵)، **جام جهان بین**، تهران، چاپ چهارم، نشر توس
۲. امامی، نصرالله، (۱۳۷۷)، **مبانی و روشهای نقد ادبی**، چاپ اول، انتشارات جام
۳. آبرامز، م. ه (۱۹۹۸)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ ششم، لندن، اکسفورد پرس
۴. ایوتادیه، ژان (۱۳۷۸) **نظریه های ادبی در قرن بیستم**، ترجمه ی مهشید نونهالی، تهران، انتشارات نیلوفر

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۵. احمدی، بابک، (۱۳۷۰) **از نشانه های تصویری تا متن**، تهران، نشر مرکز
 ۶. براهنی، رضا، (۱۳۴۸)، **قصه نویسی**، تهران، انتشارات اشرفی
 ۷. بهشتی، محمدرضا، داوری، زهرا (۱۳۸۸)، **متن نقطه تلاقی هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی**، فصلنامه ی نقد ادبی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۲ شماره ۶ صص ۲۲-۴۴
 ۸. برتنس، هانس. (۱۳۸۳)، **مبانی نظریه های ادبی**
 ۹. پاینده، حسینف (۱۳۸۲)، **گفتنمان نقد**، تهران، انتشارات روزگار
 ۱۰. پور نامداریان، تقی. (۱۳۶۴) **داستان پیامبران در کلیات شمس**، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
 ۱۱. حسینی، سیدحسین، (۱۳۸۷) **گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس**، حوزه هنری، تهران،
 ۱۲. -----، (۱۳۸۷)، **همصدا با حلق اسماعیل**، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ چهارم
 ۱۳. -----، (۱۳۶۸)، **رباعی امروز**، تألیف محمد رضا عبدالملکیان، انتشارات برگ، چاپ دوم، تهران
 ۱۴. ----- (۱۳۸۸ هـ. ش)؛ **سفرنامه گرد باد**، چاپ دوم، تهران، انجمن شاعران ایران.
 ۱۵. -----
 ۱۶. خواجه گیری، طاهره، (۱۳۹۰)، **بررسی سه غزل سنایی بر پایه نقد فرمالیستی**، با تاکید بر آرای گرامون
 ۱۷. جعفری، مسعود، (۱۳۷۸)، **سیر رمانتیسیم در اروپا**، تهران، نشر مرکز
 ۱۸. ریچاردز، آ. ای (۱۹۲۷)، **نقد در عمل**، چاپ دوم، نیویورک، کانتو سوپرس
 ۱۹. - رزم جو، حسین، (۱۳۶۹)، **شعر کهن در ترازوی نقد اخلاق اسلامی**، مشهد، انتشارات آستان قدس جلد ۱ و ۲
 ۲۰. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۴)، **نقد ادبی**، تهران، انتشارات امیر کبیر
 ۲۱. درگاهی، محمود، (۱۳۷۷)، **نقد شعر در ایران**، تهران، انتشارات امیر کبیر
 ۲۲. شیری، علی اکبر (۱۳۸۰) **نقش آشنایی زدایی در آفرینش زبان ادبی**، آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ی ۵۹، صص ۷۱-۵۹
 ۲۳. شایگان فر، حمید رضا، (۱۳۸۴)، **نقد ادبی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دستان
 ۲۴. علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا، ۱۳۹۰، **معانی و بیان**، انتشارات سمت، چاپ دهم
 ۲۵. علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷)، **نظریه های نقد ادبی معاصر** (صورت گرایی و ساختار گرایی)، تهران: چاپ اول، انتشارات راست سمت
 ۲۶. فضیلت، محمود، ۱۳۹۰، **اصول و طبقه بندی نقد ادبی**، انتشارات زوار، چاپ اول
 ۲۷. قاسمی، حسن، ۱۳۸۳، **صور خیال در شعر مقاومت**، انتشارات فرهنگ گستر، چاپ اول
 ۲۸. کزازی، میر جلال الدین، ۱۳۷۰، **زیبا شناسی سخن پارسی (بیان)**، چاپ دوم، نشر مرکز، کتاب ماد تهران
 ۲۹. کالر، جاناناتان (۱۳۸۲) **نظریه ادبی**، ترجمه ی فرزانه طاهری، تهران، چاپ دوم، انتشارات مرکز
 ۳۰. کرین، ر. س (۱۹۵۳)، **زبان نقد و ساختار شعر**، چاپ دوم، لندن، کانتر بری پرس
 ۳۱. لینکلتر، اندرو (۱۳۸۵)، **ارمان گرایی و واقع گرایی**، ترجمه لیلیا سازگار، تهران، نشر وزارت امور خارجه
 ۳۲. - محبتی، مهدی، (۱۳۸۸)، **از معنا تا صورت**، تهران، انتشارات سخن
 ۳۳. محدثی خراسانی، زهرا، (۱۳۸۸)، **شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**، انتشارات مجتمع فرهنگ عاشورایی
 ۳۴. مولوی؛ جلال الدین محمد، (۱۳۶۷)، **کلیات شمس**، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر
 ۳۵. همایی، جلال الدین، ۱۳۷۳، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، نشر هما، چاپ نهم
- طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۷۳) **اخلاق ناصری**، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خوارزمی

International Conference on “the Third Millennium and Humanities”

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۳۶. ولک، ورنه، آوستن، وارن (۱۳۸۲). **نظریه ی ادبیات**، ترجمه ی ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.

Archive of SID